



پاییز و زمستان مدت‌هاست به دلیل پدیده‌ای به نام وارونگی هوا دیگر آن پاییز و زمستان دهمه‌های قبل نیست. حالا این فصل برای عده‌ای به دلیل آلودگی هوا، نفس، بیماری‌های قلبی و تنفسی، سرطان ریه و … به کالوسی تبدیل و به نوعی، به علمی برای بیماری مرگ و میر شهروندان تبدیل شده است. هیچ چیز در دنیا مهم‌تر از جان انسان‌ها نیست و هیچ شاخصی را نمی‌توان با آن مقایسه کرد. به اذعان برخی مدیران شهری در روزهای آلوده هوا، یک شیفت کاری به بهشت زهرا افزوده می‌شود. بر اساس اعلام بانک جهانی، آلودگی هوا پنجمین عامل مرگ و میر در جهان است و سالانه بیش از ۷ میلیون نفر در جهان به خاطر آن جان خود را از دست می‌دهند و بیش از ۵ تریلیون دلار هزینه برای اقتصاد جهانی هر جا می‌گذارد و این تنها جلوه‌ای از تاثیرات زیانبار و خطرناک آلودگی هوا برای انسان‌هاست که جلوی چشم همه بشریت دارد. اتفاق می‌افتد. تاسف‌آور آنکه ما هر سال می‌دانیم در نیمه اول سال هوا که رو به سردی می‌رود با افزایش آلودگی هوا مواجهیم، داستانی که از چند دهه پیش تاکنون بویژه در ۶ ماه دوم سال جز روزهایی اندک، در حال روایت و تکرار است اما نه مسؤولان تلاشی برای مقابله با آن می‌کنند و نه مردم انتظاری دارند. گویا عادت شده که در نیمه اول، این سختی‌ها به فراموشی سپرده می‌شود تا سال بعدا در نتیجه همین امر، آلودگی هوای شهرهای بزرگ ایران و از جمله تهران همچنان گره کوری است که بعد از گذشت چندین دهه گشوده نشده و هر روز که می‌گذرد تنها بر حجم و شدت پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود. رویای ساکنان شهرهای بزرگ کشور و پایتخت‌نشینان است و به رغم اجرای طرح‌های مختلف و متفاوت اما در عمل تفاوت چشمگیری بین شدت آلودگی هوا در سال جاری با سال‌های قبل مشاهده نمی‌شود و به جرات می‌توان گفت تمام این طرح‌ها ناموفق بوده و مشکل همچنان به قوت خود باقی است و این معضل همچنان سلامت شهروندان را تهدید می‌کند. مشکل بزرگی که به یکی از ابزارهای جدال‌های سیاسی نیز تغییر جایگاه داده است و تو گویی، تبدیل به سلاحی شده است تا با توجه به زد و خورد‌ها و تصادمات سیاسی درون و بیرون حکومتی، با نگاه سرنگونی‌خواهانه اپوزیسیونی آن استفاده بدون، بدون آنکه به واقع نگاهی برای حل ریشه‌ای وجود داشته باشد. این در حالی است که باید عمل‌نویانین مشکل آلودگی هوا را در منطق «سود» جست، منتقلی که به حکم ذاتی خود تهدیدی علیه محیط‌زیست است، چرا که اینگیزه سود را بر صدر اهدافی خود می‌نهند و تمام مسائل دیگر بر محور این مساله معنا پیدای می‌کند. بیشنی که متأسفانه در بخش عمده‌ای

به جای هستن و بودن، اصل می‌گیرد. از این رو براحتی می‌توان به از تباط مستقیم بین حداکثر مسؤولیت واقعی آلودگی هوا و منطق سود سرمایه‌داری که در آن تخریب و خسارت محیط‌زیست جهان بر اساس نظام مبتنی بر کسب سود حداکثر به هر قیمت ادامه دارد پی برد. البته استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی نظیر زغال‌سنگ و نفت که انواع و اقسام مواد سمی را نه فقط از مجرای دودکش کارخانه‌جات بلکه در اشکال متنوع تر و بسیار خطرناک‌تر علیه جامعه انسانی و محیط‌زیست در هوا منتشر می‌کند و باعث افزایش گاز کرینیک در جو زمین می‌شود تنها یک نمونه از برخورداری جهان سرمایه‌داری را به این امر بیان می‌کند و می‌توان ده‌ها نمونه دیگر را هم بیان کرد، مثلاً می‌توان به تخلیه ضایعات شیمیایی در آب دریاها اشاره کرد به گزارش سازمان ملل سالانه ۳۳۸میلیون تن ضایعات شیمیایی در محیط‌زیست تخلیه می‌شود که ۲۷۵ میلیون تن آن متعلق به آمریکااست. امری که با وضوح تمام بر نقش بزرگ امپریالیسم در آلودسازی محیط‌زیست تأکید می‌کند، هرچند رسانه‌های حکومتی در کشورهای سرمایه‌داری، برای پنهان کردن نقش خود در تخریب منابع زمینی و محیط‌زیست، همواره در تلاشند حقایق را وارونه جلوه دهند و با مقصر جلوه دادن افراد جامعه و بزرگمنای در نشان دادن بی‌مسؤولیتی آنان نسبت به محیط‌زیست، قصد فریب آذهان عمومی و به انحراف کشاندن اعتراضات مستقل مدافعان محیط‌زیست را دارند، در حالی که سیاست‌های دولت‌های سرمایه‌داری به عنوان کارگزاران و شریک جرم برای پیشبرد آمل کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی برای بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل‌ها، معادن، منابع آب و سوخت‌های فسیلی بر کسبی پوشیده نیست.

در سرمایه‌داری متأخر که سود را به منزله خدای اعظم، فراتر از هر چیزی می‌بیند- خدایی که همه چیز باید در مقابل آن به سجده درآید- سلامت، آموزش و بهداشت و حتی عمومی‌ترین و طبیعی‌ترین پدیده‌های طبیعت نظیر خاک و آب و هوای پاک با تبلیغ فرهنگ مصرفی و افزایش تولید بی‌رویه برای کسب سود، وضع سیاق خود را از دست داده و تبدیل به کالا می‌شود. دور نسبت زمانی که سرمایه‌داری و نخبگان تراز اولش که تخصص‌شان شناسایی بحران و مابهی گرفتن از آب‌های گل‌آلود است، با خلق بازار جدید راحل‌شان برای این مشکل، تولید و فروش کپسول‌های اکسیژن باشد؛ پرسود، مطمئن و البته مدرن‌تا انسان‌ها به خاطر سیاست‌های انسان‌پراندازانه نظام سرمایه‌داری مادی‌اندیش مجبور شوند در خیابان‌ها با ماسک حرکت کرده و در آینده با خود کپسول‌های اکسیژن حمل کنند. در نتیجه نظام سرمایه‌داری کاری را که بعد از خصوصی‌سازی با آب آشامیدنی مردم در جهان کرد با استفاده از حق خصوصی کردن هوا یا هوای مفت و مجانی می‌کند. بر این اساس مثلا می‌توانید ۲ دقیقه اکسیژن برای تنفس را به قیمت ۵ هزار تومان از داروخانه خریداری کنید. کپسول‌هایی با مهر تایید استاندارد که در عمل به این معناست که هوا نیز به صورت کالا در می‌آید و فروشی می‌شود و دیگر نمی‌شود هوای مفت و مجانی تنفس کرد. این در حالی است که ذات سیستم سرمایه‌داری و تولید خصوصی که مشخصه بارز آن تولید کالا در درجه اول برای کسب سود اقتصادی است و نه لزوماً رف نیازهای انسان‌ها، مصرف‌گرایی است، چنانکه اگر شما تمام کالاهای مورد نیاز خود را خریداری کنید و حتی کالاهایی که نیاز چندانی به آنها ندارید نیز تهیه کنید، آنگاه نظام سرمایه‌داری با انواع تبلیغات و ترفندا شما را به هوس می‌اندازد که کالاهایی را که اصلاً به آنها نیاز ندارید، حتی آنها را نمی‌خواهید، خریداری کنید. مثلاً این روزها، توست‌تری به فروش می‌رسد که

**چگونه آزمندی نظام اقتصادی حاکم بر جهان محیط‌زیست را به نابودی می‌کشاند؟**

# سرمایه‌داری علیه آب و هوا

- وحید اصغری‌ننگجه\***

با اتصال به دوربین دیجیتال، تصویر چهره شما را روی نان توستی که می‌خواهید برای صبحانه بخورید، ترسیم می‌کند و این کار را با سوزاندن بخش‌هایی از نان تست انجام می‌دهد. در هر صورت، شما هیچ نیازی ندارید که تصویر چهره‌تان را روی نانی حک کنید که قرار است تا چند ثانیه دیگر، آن را میل کنید. محصولات مشابهی در بازارهای نظام سرمایه‌داری- که از قضا سهم قابل توجهی هم در آلودگی و تخریب محیط‌زیست دارند- عرضه می‌شود که هیچ نیازی از انسان را برآورده نمی‌کند اما با تبلیغات و ایجاد احساس نیاز کاذب، بسیاری از مردم مجاب می‌شوند آن محصولات را تهیه کنند.

اما واقعیت آن است که مشکلات محیط‌زیست و آلودگی هوا را نمی‌توان با تعطیلی مدارس و طرح زوج و فرد و بدون تغییر اساسی در نگرش ما نسبت به جهان پیرامون‌مان و جایگزین کردن واژه انسان‌محتری با تبلیغات و ایجاد احساس نیاز کاذب، بسیاری از مردم مجاب می‌شوند آن محصولات را تهیه کنند. اما واقعیت آن است که مشکلات محیط‌زیست و آلودگی هوا را نمی‌توان با تعطیلی مدارس و طرح زوج و فرد و بدون تغییر اساسی در نگرش ما نسبت به جهان پیرامون‌مان و جایگزین کردن واژه انسان‌محتری با تبلیغات و ایجاد احساس نیاز کاذب، بسیاری از مردم مجاب می‌شوند آن محصولات را تهیه کنند. اما واقعیت آن است که مشکلات محیط‌زیست و آلودگی هوا را نمی‌توان با تعطیلی مدارس و طرح زوج و فرد و بدون تغییر اساسی در نگرش ما نسبت به جهان پیرامون‌مان و جایگزین کردن واژه انسان‌محتری با تبلیغات و ایجاد احساس نیاز کاذب، بسیاری از مردم مجاب می‌شوند آن محصولات را تهیه کنند.

در سرمایه‌داری متأخر که سود را به منزله خدای اعظم، فراتر از هر چیزی می‌بیند- خدایی که همه چیز باید در مقابل آن به سجده درآید- سلامت، آموزش و بهداشت و حتی عمومی‌ترین و طبیعی‌ترین پدیده‌های طبیعت نظیر خاک و آب و هوای پاک با تبلیغ فرهنگ مصرفی و افزایش تولید بی‌رویه برای کسب سود، وضع سیاق خود را از دست داده و تبدیل به کالا می‌شود. دور نسبت زمانی که سرمایه‌داری و نخبگان تراز اولش که تخصص‌شان شناسایی بحران و مابهی گرفتن از آب‌های گل‌آلود است، با خلق بازار جدید راحل‌شان برای این مشکل، تولید و فروش کپسول‌های اکسیژن باشد؛ پرسود، مطمئن و البته مدرن‌تا انسان‌ها به خاطر سیاست‌های انسان‌پراندازانه نظام سرمایه‌داری مادی‌اندیش مجبور شوند در خیابان‌ها با ماسک حرکت کرده و در آینده با خود کپسول‌های اکسیژن حمل کنند. در نتیجه نظام سرمایه‌داری کاری را که بعد از خصوصی‌سازی با آب آشامیدنی مردم در جهان کرد با استفاده از حق خصوصی کردن هوا یا هوای مفت و مجانی می‌کند. بر این اساس مثلا می‌توانید ۲ دقیقه اکسیژن برای تنفس را به قیمت ۵ هزار تومان از داروخانه خریداری کنید. کپسول‌هایی با مهر تایید استاندارد که در عمل به این معناست که هوا نیز به صورت کالا در می‌آید و فروشی می‌شود و دیگر نمی‌شود هوای مفت و مجانی تنفس کرد. این در حالی است که ذات سیستم سرمایه‌داری و تولید خصوصی که مشخصه بارز آن تولید کالا در درجه اول برای کسب سود اقتصادی است و نه لزوماً رف نیازهای انسان‌ها، مصرف‌گرایی است، چنانکه اگر شما تمام کالاهای مورد نیاز خود را خریداری کنید و حتی کالاهایی که نیاز چندانی به آنها ندارید نیز تهیه کنید، آنگاه نظام سرمایه‌داری با انواع تبلیغات و ترفندا شما را به هوس می‌اندازد که کالاهایی را که اصلاً به آنها نیاز ندارید، حتی آنها را نمی‌خواهید، خریداری کنید. مثلاً این روزها، توست‌تری به فروش می‌رسد که

## همه پرسی استقلال کردستان عراق، تحریف مردم‌سالاری بود

و صلح‌گرایانه، انسان‌ها حق تعیین سرنوشت خود در هر فضای جغرافیایی که در آن زیست می‌کنند را دارا هستند. در جغرافیای سیاسی، زمانی که از کشور به مفهوم State سخن به میان می‌آید، حداقل با ۳ رکن ملت، سرزمین و حکومت مواجه هستیم که به موازات هم، پدیده‌ای به نام کشور را واقعیت می‌بخشند و بدون توسط خود سران اقلیم کردستان بر گزار شود، از درون آن «قطعا» «بلی» بیرون خواهد آمد. اما قصد دارم در ادامه به مطلبی بپردازم که از دید کارشناسان مربوط به دور ماند یا به آن کمتر توجه شد. و آن اینکه همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، فارغ از اینکه چه کسی برگزار کننده آن بوده یا با چه کیفیتی برگزار شده است و… باز هم از اساس باطل است و رسمیت ندارد. اما به چه دلیل؟ توجه شما را به دلیل اصلی، فلسفی و یقینی برای رد این همه‌پرسی که عقیم بود، جلب می‌کنم. اقلیم کردستان عراق چه بخواهیم چه نخواهیم، جزئی از کشور عراق است. از منظر ژئوپلیتیک انسان‌گرایانه

**چگونه آزمندی نظام اقتصادی حاکم بر جهان محیط‌زیست را به نابودی می‌کشاند؟**

# سرمایه‌داری علیه آب و هوا

- وحید اصغری‌ننگجه\***

دل‌مشغول حفظ محیط‌زیست باشد. از این رو، برای مقابله با بحران محیط‌زیست زمین، به اخلاقیات، سیاست و اقتصادی جدید نیاز است. مردم نباید این کار را صرفاً به عده‌ای معهود از متفکران مستقل، که نواقص اصلی و ایرادهای بزرگ نظام سرمایه‌داری را در یافته‌اند واگذار کنند، بلکه مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی و نظام لجام‌گسیخته سرمایه‌داری باید به «پروژه مرکزی بشریت» تبدیل شود. حفاظت از سیاره زمین با وضعیت موجود امکان تحقق ندارد، ما باید در روش استفاده از منابع و امکانات طبیعت، انقلابی را به وجود بیاوریم. چون اگر کشورهای در حال توسعه از سبک تولید و مصرف نظام سرمایه‌داری پیروی کنند بدون تردید جهان محکوم به فنا خواهد بود. چنانکه گردونه ویرانگر «رشد مصرف و رشد تولید» بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی، انسانیت کنونی را به مغاک تیره بختی افکنده و کره زمین را به محیطی آلوده و بیمارگونه تبدیل کرده و این خسارات و خرابی‌ها همچون باری بر دوش جامعه و جهان افتاده است.

آری، در نیلای سرمایه‌داری که به تخریب محیط‌زیست کره زمین کمر بسته است، همه چیز حکم کالا را دارد حتی محیط‌زیست، از این رو نجات کره زمین از دست آلودگی‌ها، آسیب‌های خودساخته آزمندان و ناآگاهان به نلودی کل نظام انگلی سرمایه‌دار گره خورده، چرا که مسبب اصلی هر گونه آلودگی و تخریب محیط‌زیست آزمندی سرمایه‌داری رالوصفت است تا با جایگزین کردن سامانه‌ای انسانی‌تر به جای سامانه کنونی (نظام سرمایه‌داری) معیوب، نیازهای اساسی انسانی همچون هوای تمیز، آب پاکیزه، غذای سالم، بهداشت مناسب، حمل‌ونقل عمومی، مراقبت درمانی همگانی، توسعه‌اجتماعات محلی ورفاه همگانی را برای همه جهانیان برآورده کند که برآوردن هر کدام از این موارد نیازمند داشتن رابطهای ماندگار با طبیعت مادر که محصول تحول میلیاردها سال است و آگاهی از چگونگی استفاده از «سرمایه طبیعی» کره زمین یعنی هوا، رودخانه‌ها،اقیانوس‌ها،کوهها،بیابان‌ها، خاک، جنگل‌ها و همچنین تنوع گیاهی و جانوری است.

در پایان باید به راه‌های برون‌رفت از بحران آلودگی شمار نمی‌آید و با توجه به وابستگی متقابل و غیرقابل تفکیک محیط‌زیست با مباحث کلان انسانی از جمله اقتصاد، فرهنگ و سیاست بویژه نوع خاص آن یعنی ژئوپلیتیک، اخلاق، فلسفه و عرفان و بسیاری دیگر از جنبه‌های مادی و معنوی حیات انسان‌ها، در واقع هر مشکل زیست‌محیطی در هر اندازه و حتی محدود در داخل مرزهای قراردادی یک کشور مشکلی برای کل جهان و نوع بشر به شمار می‌آید. از این رو باید توجه داشت که حفظ محیط‌زیست فرامزی است و در دولت واحد جهانی که به دنبال سود حداکتری نیست، مقدور است. تنها دولتی می‌تواند محیط‌زیست را حفظ کند که سلامتی انسان‌ها، حیوانات و طبیعت است. طبیعی است که کشورها، هیئت‌لر تا بمب‌های شیمیایی در جریان جنگ ایران و عراق و از مرگ سالانه میلیون‌ها انسان تنها در کشورهای تحت سلطه به دلیل بیماری‌های عفونی ناشی از آلودگی محیط‌زیست تا مرگ بیش از ۵ میلیون کودک در کشورهای در حال رشد به دلیل نبود واکسن و بهداشت لازم و سوء‌تغذیه و موارد مشابه اینچنینی در هم‌جا چهره واقعی سرمایه‌داری را می‌توان دید که ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیست تا

علت اینکه این استقلال تاثیر مهمی در سرنوشت کشور و ملت عراق دارد، بنابراین جامعه مشارکت‌کننده در این همه‌پرسی، نباید تنها آن بخش از ملت باشند که در ناحیه اقلیم کردستان حضور دارند و زندگی می‌کنند. نتیجه می‌گیریم- آحاد شهروندان کربلایی، نجفی، بغدادی، بصره‌ای و… نیز حق مشارکت و ابراز نظر در این باره را به عنوان یک حق طبیعی و ذاتی دارا هستند. بنابراین از منظر ژئوپلیتیک انسان‌گرایانه و صلح‌گرایانه، همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق، یک همه‌پرسی مردود و عقیم بود و یکی از مهم‌ترین دلایل آن این است که به کلیت ملت عراق، حق اظهار نظر داده نشد. یادمان باشد اقلیم کردستان فقط برای مردمی که در آن ناحیه زندگی می‌کنند نبوده و نیست، بلکه تمام آحاد ملت عراق، کردستان را جزئی از کشور خود می‌دانند بنابراین حق اظهارنظر و حق تعیین سرنوشت برای همه آنها باید رعایت می‌شد. در نهایت باید بگوییم که با قاطعیت می‌توان گفت همه‌پرسی برگزار شده در اساس، نه یک «همه» پرسی، بلکه حداکثر، یک «کردستان» پرسی‌بود.

**«فعال رسانه‌ای و دانشجوی دکتریای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک**

**روزنه**

### قانون جنگل و ضرورت انتخاب راهبرد جدید

مرتمی سوبلمی\*:همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، ترامپ پایبندی ایران به برجام را تایید نکرد و موضوع را به کنگره ارجاع داد که ظرف ۶۰ روز، تکلیف تحریم‌های تعلیق شده آمریکا در برجام را روشن کند. به‌طور صریح باید گفت برجام به ایستگاه آخر رسید و علت این جنگ روانی چند روزه ترامپ را باید در عدم توجه به هشدارهای پیامبرگونه رهبر حکیم انقلاب در مساله برجام و نفوذ، دیپلماسی انقلابی و تعامل با جهان جست‌وجو کرد. گسستگی رئیس‌جمهور آمریکا و جعل نام «خلیج فارس» نشان داد دشمن همان دشمن است؛ به این موضوع، درس مقاومت به ما می‌دهد. اکنون زمان تغییر و اصلاح مسیر دیپلماسی کشور فرارسیده است، زیرا در معادلات غیرتوحدیدی نظام بین‌الملل که هر زمان اراده کند، دارای حق است ولو آنکه عقل سلیم آن حق را تایید نکند و همانند قانون جنگل یا- بهتر بگوییم شهر هرت که بعد از مدتی تغییر ماهیت داد و باوه‌گویی ترامپ نشان داد تمثیل شهر هرت در نظم بین‌المللی هنوز زنده است اما به طور واقع راهبرد آمریکا در دوران ترامپیسیم از مثلث لابی عبری- عربی- غربی سرچشمه می‌گیرد و در پی پروژه برجام ۲ و ۳ است. در حال حاضر که کمر شیطان بزرگ به مدد راهبرد مستشاری نیروی قدس سپاه و جوانان جبهه مقاومت شکسته است، سپاه و برجام اسم رمز عملیات جبهه رسانه‌ای غرب از سطح داخلی و بین‌المللی در مقابل گسترش عمق راهبردی نظام جمهوری اسلامی برای مذاکره مجدد است امام خامنه‌ای عزیز با تاکید بر اینکه مذاکره با آمریکا ممنوع است، بیان داشتند: مذاکره آمریکا با ایران یعنی نفوذ. می‌خواهند راه را باز کنند برای تحمیل، در همین مذاکرات هسته‌ای، هرچا فرصت پیدا کردند یک نفوذی کردند. اکنون که اجماع نظر درباره بدعه‌دی آمریکایی‌ها در سطح ملی سا هزینه بالایی به دست آمده، توجه به توان داخلی از سوی مسؤولان اجرایی و مدیران دولتی می‌تواند راهبرد متقابل باشد که در فرامین مقام معظم رهبری درباره توجه به اشتغال‌زایی و تولید داخلی، بارها مورد تاکید معظم‌له بوده.

ایشان در مورخ پنجشنبه ۱۲ مرداد ۹۶ در مراسم تنفیذ خطاب به رئیس دولت دوازدهم فرمودند: «همت خود را متوجه استقرار عدالت و جانبداری از محرومان مستضعف و اجرای احکام اسلام ناب و تقویت وحدت و عزت ملی و توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های عظیم کشور و صراحت در بزرگداشت ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی کنید… کار قوی و جهادی و حساب‌شده در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در زمینه حفظ هویت اسلامی و انقلابی باید روزبه‌روز قوی‌تر و عمیق‌تر باشد؛ این پاسخ دشمنی‌های دشمن است.» دولتمردان نادان آمریکا باید بداندند نیروهای مسلح کشور باقدرت برپایه حق دفاع مشروع تحت تدابیر فرماندهی معظم کل قوا حرکت می‌کنند و در دریای نامنظم منطقه صلح و ثبات را به همسایگان هدیه داده‌اند. در پایان باید گفت فرجام برجام دشمن‌شناسی و وحدت کلمه است. نگارنده در صدد نادیده گرفتن زحمات دولت و رئیس‌جمهور محترم در حوزه سیاست خارجی نیست، لیکن خواستار اتخاذ راهبرد انقلابی با توجه به تجربه برجام به عنوان سند رسواکننده چهره استکباری آمریکااست.



**سلام وطن**

**۶۶۴۱۳۹۴۲**

**دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور**